



فرشته عالمشاه متولد اسفند ۱۳۵۵ در فول ، ساکن اصفهان از سال ۱۳۷۳ .
 فارغ التحصیل رشته فیلم سازی.
 صاحب امتیاز و مدیر سایت ویدئوآرتیست/ www.videoartist.ir
 عضو انجمن نقاشان اصفهان.
 عضو انجمن زنان هنر محیطی آمریکا "وید"
 عضو انجمن هنر میدان طبیعت یاتوای کره جنوبی.
 شرکت در ۱۰ دوره جشنواره های هنر محیطی ایران.
 چاپ کتاب "فصل گنارهای قرمز": مجموعه ای با سیزده خاطره از دوران کودکی در زمان جنگ ایران و عراق ۱۳۸۸ .
 دبیری ، داوری و کمیوریتیوری جشنواره ها و نمایشگاه های متعدد در ایران و کشورهایمانند کره ، ایتالیا و...
 طراح و مجری نخستین جشنواره ویدئوآرت ایرانیان "ویدئوآرتیست" ۱۳۹۱ .
 مدیریت و برگزاری چندین ورکشاپ ، همایش و رویداد هنری در زمینه های ویدئوآرت ، هنر محیطی ، چیدمان و...
 شش نمایشگاه انفرادی نقاشی ، چیدمان ، پرفورمنس ، ویدئوآرت در اصفهان از ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲
 شرکت در هجده نمایشگاه گروهی بین المللی در کشورهای ایتالیا ، کره جنوبی ، سوئد ، فنلاند ، آمریکا و...
 منتخب فستیوال های ویدئوآرت ویدئوهولیکا- وارنا- بلغاریسما/ آتن- یونان/ کروس تالک مجارستان/ سئول کره جنوبی/ رومانی/ کاتماندو- نیپال.
 مقام اول در ششمین جشنواره تجلی احساس هنر جدید ۱۳۸۸ .
 مقام اول در بخش هنر مفهومی دومین جشنواره هنر مقاومت ۱۳۹۱ .
 کسب رتبه های برتر در جشنواره و مسابقات داخلی دیگر بین سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۱ .

پرفورمنس: طبیعت، انسان، معنا

در گفتگویی با فرشته عالمشاه

فهیمة سهیلی راد

کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، پژوهشگر

- پرفورمنس ها فاقد قصه اند و معمولاً روایی هم نیستند.
 - اجراکنندگان پرفورمنس تلاش می کنند تماشاگر به طور کامل در نمایش شان حضور فعال داشته باشد (نه از نظر عاطفی و احساسی ، بلکه می خواهند عملاً او را در اجرا هم دخالت بدهند)؛ تا جایی که به قول «ریچارد شکر»^[۱] ، نتوان تفاوتی بین بازیگر و تماشاگر یافت.
 - در نتاثر معمولاً در هر لحظه از اجرا ، توجه تماشاگر به «یک» مسأله خاص جلب می شود اما پرفورمنس آرئیست ها ، سعی می کنند در هر لحظه ، تماشاگران به چند نقطه و چند موضوع متفاوت توجه داشته باشند و تماشاگر را در انتخاب ، آزاد می گذارند.

«آنتونی هاو»^[۲] در مقدمه کتاب «تحلیل پرفورمنس آرت» می نویسد:

سه کنش یا عمل اصلی در پرفورمنس آرت وجود دارند که مانند سه رنگ اصلی در نقاشی اند. این کنش ها عبارتند از: سکون ، تکرار ، عدم تداوم. بقیه عناصر مثل زبان ، محل اجرا ، چگونگی بازیگری و... مسائل جانبی و ثانویه هستند. زمان ، فضا ، بدن بازیگر و ارتباط دو سوپه بازیگر و مخاطب ، چهار عنصر اصلی يك اجرای پرفورمنس به حساب می آیند.

گفتگو با خانم فرشته عالمشاه در تهران در محل نمایش گروهی ویدئوآرت با

۱- Richard Schechner، (۱۹۳۴) ، پروفیسور آمریکایی در رشته پرفورمنس و استخاد دانشگاه نیویورک

۲- Anthony Howell، (۱۹۷۱) ، بازیگر انگلیسی

در ابتدا ، توضیحی اجمالی در خصوص چگونگی آغاز پرفورمنس و ویژگی های آن خالی از فایده نخواهد بود. پرفورمنس آرت هنری است که در سال های ۱۹۷۰ میلادی از ترکیب عناصری از هنرهای تصویری ، شنیداری ، اجرایی ، فرهنگ عامه و زندگی روزمره به وجود آمد تا آن را به وسیله بدن هنرمند به عنوان ابزار هنری- و ذهن وی - که دارای ساختاری ایدئولوژیک است- ارائه دهد. همچنین می تواند به طور کامل «هنری مفهومی» باشد ، که هستی آن فقط در ذهن اجراکننده پدید می آید. شکل اجرایی آن از نمایش گونه هایی که در سال های ۱۹۶۰ میلادی به نام Happening (اتفاق های دیدنی) معروف شده بودند ، نشأت گرفته است. یکی از مهم ترین عوامل ترویج اجرای پرفورمنس ، آن است که با مناسک و آیین های اجتماعی رایج در فرهنگ های مختلف جوامع جهانی ارتباط مستقیم دارد.

با وجود شباهت شکل اجرایی آن با نتاثر ، این هنر دارای تفاوت های اساسی با نتاثر است که می توان به طور خلاصه به آن ها اشاره کرد:

- پرفورمنس از اجزای مستقل ، مجزا و غیرمرتبط به هم تشکیل شده و بر وجه زنده بودن و عین واقعیت بودن استوار است.

- پرفورمنسرها ، بازیگر نیستند ؛ فقط ، اجراگران پرفورمنس هستند.

- پرفورمنس (در بیشتر موارد) ، از نظر اجرایی تکرار نمی شود و یا دو ، سه بار بیشتر امکان تکرار ندارد.



عنوان «تولیدی پوشاک سیاهمرد» انجام شده است.

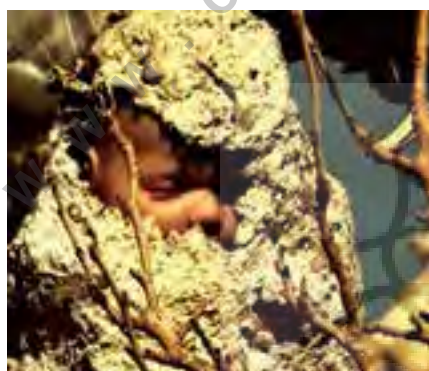
چیدمان: در ابتدا از انگیزه‌ها و نوع فعالیت‌های هنری شما شروع کنیم.

هنر برای من از درون خانواده‌ام شکل گرفت، در کنار مادر و پدری اهل هنر. نقاشی را به طور جدی از سال‌های دبیرستان آغاز کردم و سپس به سمت هنر مفهومی جذب شدم. در سال ۸۶، با آغاز آشناییم با آقای دکتر نادعلیان و هنر محیطی، مسیری جدی‌تر را آغاز کردم و از آن زمان تاکنون در حوزه هنر محیطی، ویدئوآرت و پرفورمنس مشغول فعالیت هستم که البته هیچ کدام از اینها جدا از دیگری نیست. از آنجا که خود را بیشتر ویدئوآرتیست می‌دانم، از بهار ۱۳۹۰ سایت "ویدئوآرتیست"^[۳] و نخستین جشنواره ویدئوآرت ایرانیان را با همین نام طراحی و مدیریت کرده‌ام که تاکنون با همراهی و حمایت خوب دیگر هنرمندان موفق به برگزاری سه دوره جشنواره و ده‌ها رویداد هنری از جمله ۱۲ نمایشگاه داخلی و خارجی، برگزاری چندین ورکشاپ،

چیدمان: امکانات و ویژگی‌هایی که معتقدید این نوع هنر در اختیار شما قرار می‌دهد و سبب شده آن را به عنوان وسیله بیان هنری انتخاب کنید چیست؟

از نظر من، این دست هنرها تأثیر عمیق‌تر و بی‌واسطه‌تری بر مخاطب می‌گذارند. از تمام امکاناتی که بسیار وسیع‌تر از هنرهای تجسمی دیگر است برای بیان هدف و رخنه کردن در ذهن مخاطب استفاده می‌کنند: نور، حرکت، تصویر، صدا و موسیقی، و حتی دخالت و حضور خود مخاطب. این عوامل به من کمک کرده است تا بتوانم آثارم را با عموم مردم به اشتراک بگذارم و آن را حتی به روستاها ببرم. محدودیت فضا و مکان خاص نمایش برای من برداشته شده است و حتی خیلی خوب می‌توانم از حضور مردم در کارهایم بهره ببرم و آنان نیز از تجربه حضور در تماشای خلق یک اثر هنری لذت ببرند.

نکته مهم دیگری که وجود دارد مخصوصاً در مورد ویدئوآرت، استفاده



تصویر شماره ۱: مجموعه «روح درخت»، اسفند ۱۳۹۲

از فضای مجازی و طی کردن سریع مرزهاست؛ چه به لحاظ مفهومی و جهان شمول بودن معنای آثار و چه به لحاظ حضور در فضاهای خارجی و همین طور استفاده از فرصت دیده شدن اثر، توسط میلیون‌ها مخاطب.

چیدمان: عناوین آثارتان و توضیح مختصری در مورد هر یک از آن‌ها (اعم از پرفورمنس و ویدئوآرت) ما را به شناخت بهتری از نوع و شیوه کارتان خواهد رساند.

به طور کلی کارهای من خارج از فضای نقاشی‌هایم به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته فضاهای انسانی در حمایت از کودکان جنگ و بیان برخی موضوعات اجتماعی زنان؛ و دسته دیگر، آثار طبیعت‌مدار و زیست محیطی که در بسیاری از مواقع از ادغام هر دو موضوع استفاده می‌کنم. در مبحث طبیعت و در حوزه هنر محیطی، مجموعه‌های مختلفی را تاکنون کار کرده‌ام چه به شکل چیدمان، چه پرفورمنس و چه ویدئوآرت. بخش بزرگی از این کارها - که بسیاری من را با این نوع آثار می‌شناسند - به حضور تصنعات ساخته بشر و تأثیر تخریبی آن بر طبیعت اشاره دارد، مانند مجموعه پلاستیک آرت. چون پلاستیک را به عنوان نماینده مواد مخرب طبیعت انتخاب کرده‌ام، نام این گروه را پلاستیک آرت گذاشته‌ام. عناوین بیشتر کارهایم در این مجموعه "روح

همایش و همکاری با کیبوریته‌ها و جشنواره‌های داخلی و خارجی شده‌ایم. این سایت دارای چهل عضو ویدئوآرتیست ایرانی از سراسر جهان بوده که تاکنون بیش از هشتاد اثر خود را بر روی این سایت به نمایش گذاشته‌اند و همین طور در بخش مطالعات و تحقیقات تعدادی از هنرمندان مشغول به فعالیت بوده و روابط بسیار خوب و نزدیکی با مراکز تخصصی ویدئوآرت در کشورهای دیگر داریم.

چیدمان: چرا پرفورمنس؟ چرا ویدئوآرت؟

پرفورمنس برای من نقش عمیق و مهمی در بیان ایده‌هایم دارد، مخصوصاً در حوزه هنر محیطی. پرفورمنس‌های من اغلب در طبیعت شکل می‌گیرند و برخی از ویدئوآرت‌هایم نگاهی خاص هستند بر این پرفورمنس‌ها و مفاهیم‌شان. البته زمانی که قصد ساخت ویدئوآرتی را داشته باشم و این ویدئو بر پایه پرفورمنس استوار باشد، در راستای همین منظور و با برنامه‌ریزی، همه چیز پیش می‌رود. بسیاری از پرفورمنس‌هایم کوتاه هستند و تنها تصویری از آن‌ها ارائه می‌شود. ویدئوآرت را نیز از آن جهت انتخاب کرده‌ام که تمام آنچه که قصد من است و به آن برای بیان هدفم نیاز دارم، در اختیارم می‌گذارد؛ دنیایی بدون محدودیت در ابزار، مکان و نوع ارائه.

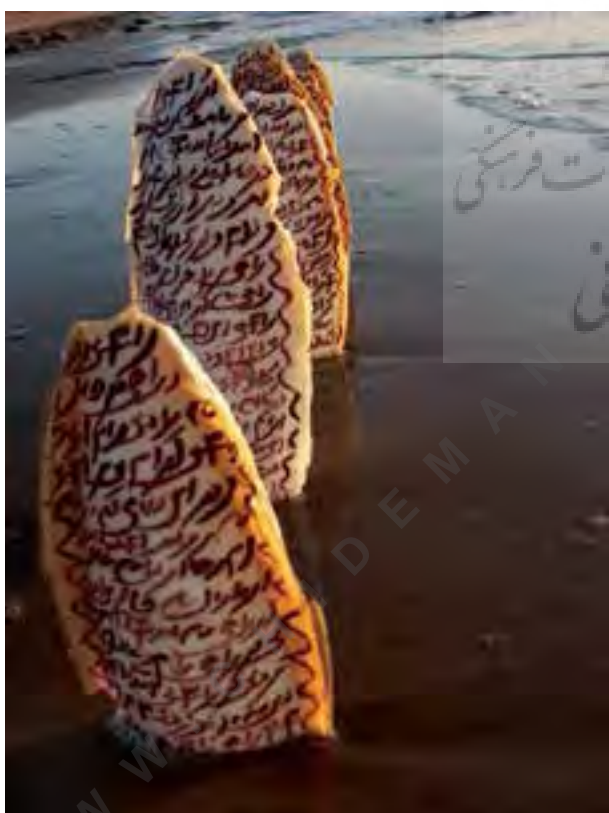
شسته شده و آهن موجود در آن جذب گیاهان می‌شود. این نوشته‌ها برای مخاطب، خیلی قابل خوانش نیست اما برای من رسیدن به ارتباطی تنگاتنگ است با طبیعت و خالق یکتا.



تصویر شماره ۴: دم ماهی، حسن آباد اصفهان، ۱۳۸۹



تصویر شماره ۵: هنر نوشته، (روی استخوان و سنگ)



تصویر شماره ۶: هنر نوشته، (روی استخوان و سنگ)

درخت" (تصویر شماره ۱) و "زن، مرد، ماهی" (تصاویر شماره ۲ و ۳) می‌باشد.

"روح درخت"ها اغلب زنان و درختانی هستند که به یکدیگر تکیه داده و یا هم را در آغوش دارند در حالی که با پلاستیک پوشیده شده‌اند و تنفس برایشان سخت است. اکثر این درخت‌ها درختانی خشکیده‌اند.

"زن، مرد، ماهی"ها، زنان و مردانی هستند پیچیده شده درون پلاستیک و به شکل ماهی دور افتاده از آب؛ و اغلب در مکان‌هایی که طبیعت وابسته به آب، آسیب دیده است، مانند برکه‌ها یا تالاب‌های خشکیده.



تصویر شماره ۲: مجموعه «زن، مرد، ماهی»، جزیره هرمز، ۱۳۸۸



تصویر شماره ۳: «زن ماهی»، ماسوله، ۱۳۹۰

"هنر نوشته‌ها" یا "write art"ها (تصویر شماره ۵ و ۶)، نوشته‌های بدون نقطه من به شکل بافت بر روی اجزای طبیعت است. این نوشته‌ها که از درون نقاشی‌هایم بیرون آمده‌اند بر روی سنگ و برگ و شاخه‌ها و... شکل می‌گیرند. من نوشته‌هایم را با استفاده از خاک قرمز جزیره هرمز می‌نویسم که نه تنها آسیمی به طبیعت نمی‌رساند بلکه با بارش باران



مجموعه‌های دیگری مانند استخوان‌ها، ریشه‌ها، آدمک‌ها و قاب‌ها و... نیز در این حوزه دارم که مثلاً مجموعه استخوان‌ها به این شکل ارائه شده که استخوان‌های حیوانات مرده در بیابان را که گرها و سگ‌ها و دیگر حیوانات با کهک آفتاب آن‌ها را صیقل داده‌اند، جمع‌آوری می‌کنم و آن‌ها را به شکل اسکلتی از موجوداتی عجیب که اصلاً وجود خارجی ندارند چیدمان می‌کنم؛ در اعتراض به برهم زدن چرخه طبیعت (تصاویر شماره ۷ و ۸).



تصویر شماره ۷: «استخوان‌ها نیز آب می‌نوشند»، از مجموعه استخوان‌ها (چیدمان)

قرار داشت. از آکواریوم بوی لجن و ماهی متضاد می‌شد. در پشت صندلی، تلویزیونی رو به دیوار و برخلاف جهت مخاطبان در حال پخش تصویری اینترنتی از اخبار محیط زیست در مورد خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها و رودهای ایران بود؛ همراه با پخش افکت‌های صوتی خاصی بر مبنای تصاویر. شخصیت اصلی این اجرا پری بود، پوشیده و پیچیده شده بود در پلاستیک. در سمت دیگر گالری، سبده‌ی پر از پلاستیک در کنار یک آینه قرار داشت. از بازدیدکنندگان خواسته می‌شد که پس از برقراری ارتباط با اثر در ساخت آن شرکت کرده و با استفاده از پلاستیک‌های موجود در سبد، فیگوری را بر اساس احساس و تفکر خود در محوطه اجرا شکل دهند. سپس این فیگورها و اتفاقات به وسیله عکاسی و تصویربرداری ثبت می‌شد. مرحله دوم، اسفند ۱۳۹۲، در موزه هنرهای معاصر اصفهان بود که بدون حضور پری شکل گرفت. این بار آلبومی از معدود عکس‌های منتخب مرحله قبل، به چیدمان اضافه شد. بازدیدکنندگان روی صندلی به جای پری نشسته و آلبوم را ورق می‌زدند.

دسته دیگر کارهایی که بیشتر به شکل ویدئوآرت آن‌ها را ارائه کرده‌ام در حمایت از کودکان جنگ است که حناپندان، حافی (پابرهنه) و نارنج از این دسته‌اند. به غیر از ویدئوهای روح درخت و ماهی‌های یونس، که کاملاً بر اساس پرفورمنس شکل گرفته‌اند در بقیه آثارم نیز کم و بیش، این رویکرد پرفورمنس گونه وجود دارد.

چیدمان: محور موضوعات آثار شما و علت انتخاب آن‌ها چیست؟

مسلماً انسان جزئی از چرخه طبیعت است، جزئی که قدرت بسیاری در حفظ این چرخه و یا نابودی آن دارد و در هر حال خود اوست که از این حفظ و یا تخریب، ذینفع یا متضرر خواهد بود. من نیز جزئی از این چرخه هستم با همین توانایی‌ها. پس سعی من در استفاده از آموخته‌ها، هنر و آنچه در اختیار دارم در جهت حفظ گوشه‌ای از این چرخه است.

شاید شعارگونه باشد اما به داشتن رسالت هنرمند اعتقاد دارم و همین طور ایمان دارم به توانایی هنر و تأثیرگذاری بسیار آن. پدیده شوم جنگ واقعیتی تلخ است که در آن به خاطر حفظ منافع عده‌ای، زندگی‌های بسیاری نابود می‌شوند. در این میان کودکان آسیب‌های جبران‌ناپذیری می‌بینند درحالی که هیچ نقش و یا سهمی در پیدایش آن ندارند. جنگ پدیده‌ای طبیعی نیست و کاملاً در اختیار انسان‌هاست. پس همانگونه که انسان‌های جنگ آفرین حضور دارند باید افرادی برای حفظ صلح و آرامش تلاش کنند. البته که توان من محدود است اما به عنوان یک انسان نمی‌توانم شاهد این همه جنایت باشم و سکوت کنم و تمام امیدم این است که شاید اثرم روزی دلی را بلرزاند و یا تأثیری حتی اندک در جلوگیری از گسترش این فجایع داشته باشد.

چیدمان: یادم می‌آید خاطره‌ای درباره چگونگی ساخته شدن «حناپندان» تعریف کردید؛ در واقع تجربه‌ای عینی که بعدها دستمایه ساخت آن شد. آیا سایر آثارتان نیز بر مبنای تجربه‌ای واقعی شکل گرفته و حس فضا‌هایی که تجربه کرده‌اید در آن‌ها دخیل است؟ یا بیشتر مبنای فلسفی و ایدئولوژیک دارد؟



تصویر شماره ۸: «شاید ماهی»، از مجموعه استخوان‌ها (چیدمان)

مجموعه «خواب یک پری» (تصویر شماره ۹)، پرفورمنس دیگری است در ادامه مجموعه اجراهایی در طبیعت با عنوان «زن-ماهی» با این تفاوت که این اثر در دو مرحله و دو مکان شکل گرفت و توسط مخاطبان و مشارکت آن‌ها تکمیل شد. مرحله اول: اصفهان، دی ماه ۱۳۹۲ در فضای گالری؛ که آن را به شکل آتلیه عکاسی در آوردیم. چیدمان شامل یک صندلی با حاشیه‌های طلایی، کاغذ دیواری، آکواریومی کوچک، با مقداری آب مانده و تیره، ماهی سربریده با شکمی باز و...



تصویر شماره ۹: مجموعه خواب یک پری (پرفورمنس)، اصفهان، ۱۳۹۲

ویدئوآرت از نگاه من، استفاده هنرمند از تمامی امکانات هنری برای بیان اندیشه‌اش به صورت تصاویری متحرک است. این تصاویر متحرک می‌توانند ویدئو، انیمیشن، عکاسی، نقاشی و یا تصاویر دیجیتالی باشند. ویدئوآرت می‌تواند ترکیب تصویر متحرک و حضور انسانی باشد، می‌تواند ترکیب شیء باشد با تصویر متحرک، می‌تواند ضبط و پخش همزمان رفتار مخاطب باشد و... بیشتر چستی ویدئوآرت در این است که چه چیزی نیست. ویدئوآرت می‌تواند از تمامی ابزار سینما استفاده کند اما فیلم نیست، کلیپ و آتونس و فیلم تجاری و تبلیغاتی هم نیست. پرفورمنس هم مانند ویدئوآرت داستان گو نیست و قصد سرگرم کردن مخاطب را هم ندارد و ذاتاً هنری معترض است. مدت زمان آن از چند ثانیه تا چندین روز می‌تواند باشد، در مکان ارائه نیز محدودیت ندارد. (هر چند ویدئوآرت اغلب به صورت تکرار نمایش (لوپ) در گالری‌ها دیده می‌شود). پس پرفورمنس از نظر مکان و زمان اجرا بدون محدودیت است و مبنای اصلی آن حضور جسمی و بدنی هنرمند در خلق اثر است.

چیدمان: با توجه به شکل‌گیری این شیوه‌های بیانی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، تا چه اندازه و در چه زمینه‌هایی از پیشروان آن تأثیر پذیرفته‌اید؟ (اساساً چگونه تصمیم به کار در این حیطه گرفتید و احیاناً آثار چه کسانی این گرایش را در شما ایجاد کرد؟)

همانگونه که گفتم در ابتدا با نقاشی آغاز کردم و سپس آشنایی و حرکت من به سمت هر کدام از این شاخه‌های هنری خیلی اتفاقی پیش آمد. منظورم از اتفاقی، این است که برنامه‌ریزی خاصی از قبل برای آن نداشتم و یا حتی تحصیلاتم کاملاً دور از این مسیرها بود. دورادور نظاره‌گر پیدایش این هنرها از سال هشتاد در ایران بودم و زمانی که با هنر محیطی آشنا شدم، نزدیکی و قرابتی عجیب در علائقم با این هنر دیدم و آن را با جدیت دنبال کردم و از این طریق به سمت پرفورمنس و سپس برای نشان دادن اجراها و چیدمان‌هایی که در بیابان یا مکان‌هایی که دور از مخاطب بود، آرام‌آرام به سمت ضبط تصاویر و سپس ویدئوآرت جذب شدم و چون خلاء اطلاعات فنی و آکادمیک برای ساخت ویدئوآرت را در خود احساس کردم در رشته فیلم‌سازی دوباره به دانشگاه رفتم. فیلم‌سازی را به دلیل نبود رشته‌ای مانند نیو مدیا انتخاب کردم. در کل می‌خواهم بگویم که در ابتدا وارد یک حیطه شدم و سپس شروع به تحقیق، مطالعه و شناخت بیشتر آن کردم و با هنرمندانش و آثارشان آشنا شدم. سعی کرده‌ام نکات مثبت

درست است، حنابندان را بر اساس یکی از خاطرات کودکیم ساخته‌ام. خاطره‌ای از سال‌های کودکی در دوران جنگ و موشک‌باران‌های شهر دزفول. مادرم هر از گاهی برایمان جشن کوچکی می‌گرفت و با کل‌زدن و شادی کردن، بر دست‌ها و پاهایمان نقشی از حنا می‌زد. آن روزها ما فقط این حنابندان‌ها را بازی می‌کردیم و علتش را نمی‌دانستیم؛ اما زمانی که تصمیم گرفتم بر نوشتن خاطرات کودکی‌ام از جنگ، و سراغ آن‌ها را از مادرم گرفتم، فهمیدم این نقش‌های حنا برای مادرم معنایی دردناک‌تر و بزرگ‌تر از یک بازی شاد کودکانه داشته است. بعد از اینکه یک روز به طور معجزه‌آسا از مرگ در بمباران جان سالم به در برده بودیم مادرم نگران این شده بود که مبادا فرزندانش مانند دیگر کودکانی که در مدارس، بیمارستان‌ها و یا خیابان‌ها تکه‌تکه می‌شدند، قابل شناسایی نباشند! پس حنابندان را بهانه‌ای ساخته بود تا بر دست و پاهایمان نقش و نشانی بزند.

اکثر کارهای من حسی و اجتماعی هستند. البته که ایدئولوژی و فلسفه و بسیاری از موارد دیگر در خلق آن‌ها نقش دارند، اما نه به این صورت که غالب باشند و منظور نظر شماست. هنر محیطی و آثار طبیعت‌گرایانه و حتی وارد شدن در ساخت آثار ضد جنگ همه برای من ریشه در کودکی دارند. خانه‌هایی که در آن کودکی‌ام را سپری کردم همه سبز بودند و پر از درخت، از میان شهر کودکی‌هایم دزفول، رود بزرگ و زیبای دز می‌گذرد. همیشه زمان تفریح‌مان کنار رودخانه می‌گذشت یا در تپه‌های سرسبز و باغ‌های نارنج آن. خانه‌مان پناهگاه حیوانات زخمی بود و بچه‌هایشان. من هر چه فکر می‌کنم، می‌بینم که همچنان در ادامه کودکی‌ام هستم.

چیدمان: در پرفورمنس چه خصوصیتی وجود دارد که برای نمایش برخی ایده‌ها و اندیشه‌ها، آن را به جای ویدئوآرت به کار گرفتید؟

در حقیقت چیزی را به جای چیز دیگری انتخاب نمی‌کنم. هر کجا که بدانم کدام نوع بیان مفیدتر و تأثیرگذارتر است و یا کافی است، از همان استفاده می‌کنم.

چیدمان: به نظر شما ماهیت و چستی ویدئوآرت و پرفورمنس چیست؟

ماهیت تمامی این هنرها، ذهن هنرمند و اندیشه‌ها و دردها و آرزوهایش است. واکنش او به پیرامون، اجتماع، خاطرات، آموخته‌ها و تجربیات هنرمند است.



و تأثیرگذار در آثار هنرمندان را بیاموزم اما دوست ندارم کارهایم شبیه کسی باشند و تمایلم به این است که مسیر خودم را طی کنم تا آنجایی که وقتی در اولین ویدئوآرتم نشانه‌هایی از نوشته‌های بدون نقطه‌ام را که در نقاشی‌ها و کارهای محیطی‌ام هستند، آوردم، گفته شد که این اثر مخاطب را به یاد آثار شیرین نشاط می‌اندازد، بنابراین همانجا مسیر را تغییر دادم. حقیقتاً دنباله‌روی آثار کسی نبوده‌ام اما رفتار، جدیت، سخت‌کوشی و راهنمایی‌های استاد خوبم آقای دکتر نادعلیان بیشترین سهم و تأثیر را در مسیر حرکت‌م داشته است. از نظر من آثار هنرمندان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بر اساس همان تاریخ و اجتماع شکل گرفتند و ما خیلی دیرتر شروع کردیم، در تاریخ و اجتماعی کاملاً متفاوت. از آن‌ها آموخته‌ایم، اما اینک مسیر و لزوم زمان ما چیز دیگری است.

از ویدئوآرتم‌ها را در حمام علی قلی آقا داشتیم که به دلیل استقبال مردمی، تعدادی از کارها تمام مدت نوروز در قسمتی از پل خواجه برای میهمانان نوروزی به نمایش درآمد که استقبال بی‌نظیر بود.

به این مسأله باید توجه کنیم که ما به دلایل مختلف خیلی دیر به سمت این دست‌ها آمده‌ایم و جایگاه آن را هنوز به دست نیاورده‌ایم و ارزش و توانایی‌هایم هنوز به درستی شناخته نشده است. اما در دیگر کشورها اکثر مردم از علاقمندان آن هستند و جایگاه مردمی خوبی دارد. نمایش‌های خیابانی ویدئوآرتم و اجراهای پرفورمنس در بسیاری از کشورها رایج است حتی در کشور کوچک و فقیری مانند نپال که من خود، این تجربه را داشته‌ام، در یکی از میادین شهر کاتماندو و با استقبال هزاران نفر از مردم، از تحصیل کرده تا فقرای شهر. جایگاه



تصویر شماره ۱۰: ماهی‌های یونس (پرفورمنس، ویدئوآرتم)، زمین‌های خشک‌شده تالاب گاوخونی، ۱۳۸۸

چیدمان: با در نظر گرفتن اینکه پرفورمنس نسبت به تئاتر و ویدئوآرتم در مقایسه با فیلم، مخاطبان خاص‌تر دارد و فراگیر شدن و حتی تکثیر و توزیع آن با محدودیت‌هایی همراه است، فکر می‌کنید تا چه اندازه می‌تواند دارای جایگاه مردمی باشد و با آن‌ها ارتباط برقرار کند؟

مردمی داشتن تلاش می‌خواهد، آگاهی‌دادن و معرفی می‌خواهد، حمایت می‌خواهد و انگیزه؛ اما در کل توان و قدرت هنرهایی که داریم از آن سخن می‌گوییم نه تنها کمتر از نمایش و یا فیلم نیست بلکه می‌تواند بالاتر و مؤثرتر نیز باشد.

در ازای محدودیت‌هایی که از آن نام بردید، این هنرها توانایی برقراری ارتباط و تأثیرگذاری بیشتر را نیز دارا هستند، چرا که مخاطب حتی می‌تواند در چگونگی پیدایش و یا تغییر جهت مسیر و روند این آثار دخالت کند و آن را شکل دهد. اینکه محدودیتی در مکان اجرای این آثار وجود ندارد قابلیت و توان زیادی را می‌آفریند. ذات پرفورمنس در حقیقی بودن آن است و مخاطب این حقیقت را خیلی بهتر می‌پذیرد زیرا آن را لمس می‌کند. البته این میزان برقراری ارتباط به نوع اثر و چگونگی اجرای آن و همین‌طور خواست و توانایی هنرمندش بستگی دارد. من این تأثیرگذاری را بارها تجربه کرده‌ام و در موقعیت‌های مختلف کارهای مردمی داشته‌ام؛ هم به این صورت که اهالی یک منطقه در شکل گرفتن یک پرفورمنس نقش داشته‌اند و هم نمایش آثار در میان مردم شهر یا روستا. در سال ۸۸ ویدئوآرتم **ماهی‌های یونس** (تصویر شماره ۱۰) را که با کمک اهالی خوب شهر ورزنه ساختم در پیاده‌روهای این شهر و روستاهای اطرافش به نمایش گذاشتم؛ و همین‌طور مکان نمایش آثار برگزیده در اولین جشنواره ویدئوآرتمیست، پشت و پیرترین مغازه‌های پاساژ اوسان در اصفهان بود. سال ۹۲ نمایش مجموعه‌ای

چیدمان: از نظر شما آنچه که پرفورمنس را از تئاتر (به خصوص پانتومیم) متمایز می‌کند چیست؟ در واقع پرفورمنس را دارای چه ویژگی‌هایی می‌دانید که آن را در شاخه‌ای مستقل از نمایش مطرح کند؟

نمایش دارای پیشینه‌ای طولانی است و ماهیتاً با پرفورمنس تفاوت اساسی دارد. نمایش دارای نمایشنامه، برنامه، صحنه و دیالوگ‌های کاملاً مشخص است. در روند نمایش همه چیز باید طبق آنچه طراحی و برنامه‌ریزی شده است پیش برود و اگر صد بار اجرا شود همیشه یکی است. دیالوگ‌ها یکی است و روندی داستان‌گونه و روایتی دارد. یکی از اهداف مهم نمایش در کنار رساندن پیام، سرگرم کردن مخاطب بوده و هست اما پرفورمنس چنین نیست. هدف اصلی پرفورمنس بیان مفهوم، ایده و فکر هنرمند است. هنرمند از وجود و بدن خود و دیگران، مانند یک ابزار برای پیاده کردن ایده و تفکرش استفاده می‌کند و همچنین از توانایی‌های بدنی و روحی‌اش، از حرکتش، صدایش، واکنش‌های حسی خود و مخاطبینش. در پرفورمنس نباید دروغی وجود داشته باشد و همه چیز واقعی است. منظور از واقعی بودن این است که بازیگری به

ترس و عدم آشنایشان با مسائل و ابزار فنی لازم، یا راه را بر آنان می‌بندد یا مسیر را برایشان دشوار می‌کند. اما با تمام این اوصاف تا رسیدن به جایگاه جهانی که لیاقت هنر ماست، هنوز فاصله زیادی هست.

چیدمان: از آنجا که تجربیات انتزاعی وسیعی را در کار هنرمندان پرفورمنس و ویدئوآرت شاهدیم، به نظر شما گستره آن‌ها به لحاظ موضوع، فضا، شیوه‌های اجرایی و... تا چه اندازه قابل توسعه است؟ و نقاط قوت و ضعف این دو شیوه هنری در ایران را چه مواردی می‌دانید؟

همانطور که به طور اجمالی گفتیم، نقاط قوت هر دوی این هنرها، سخت‌کوشی و جدیت هنرمندان آن و نیز قدرت تأثیرگذاری آثارشان از لحاظ مفهومی است که نشان از تفکر عمیق هنرمندان دارد و اینکه توانایی رقابت جهانی را دارند. اما ضعف‌های موجود از نظر کیفیت آثار، اغلب شامل آثار هنرمندان جوان می‌شود که به دلیل عدم آشنایی عمیق و صحیح آنان با این هنرها و یا تکنیک‌ها و متریال‌ها و شیوه‌هایی است که می‌تواند سطح کار آنان را تغییر دهد و این هم به دلیل نبود جایگاه دانشگاهی برای این رشته‌هاست و صد البته عدم حمایت مسئولین هنری از این رشته‌ها و نبود منابع مالی مسلماً راه را سخت کرده و خود دلیلی می‌شود بر عدم خلق بعضاً آثاری بزرگ، و یا کم شدن تعداد آثار و رخدادهای قابل توجه. تعداد هنرمندانی که در این شاخه‌های هنری به طور جدی و مستمر فعالیت می‌کنند زیاد نیست و یکی از دلایل مهم آن بحث اقتصاد هنر است که این هنرها ذاتاً از آن به دور هستند. اما همیشه راه‌هایی برای قدرت دادن به یک هنر، آن هم با این همه توانایی، وجود دارد. اینکه می‌بینید در گوشه هر نمایشگاهی پرفورمنسی رخ می‌دهد یا ویدئوآرتی به نمایش درمی‌آید نشان از تعداد بالای هنرمندان آن ندارد بلکه اکثراً کسب تجربه است و هوس‌گرایی. اما آن تعداد از هنرمندانی هم که با جدیت کار می‌کنند حقیقتاً با دل و جان مشغولند، چون اتفاق خوب مالی چندانی نمی‌افتد. پس همه چیز بر مبنای علاقه و نگرش هنرمند استوار شده است.

سخن پایانی:

از شما بسیار متشکرم که همت و تلاش خود را معطوف به هنرهایی خاص کرده‌اید که کمتر از آنان یاد می‌شود و مطمئناً این تلاش شما جایگاه ارزشی و تأثیرگذاری خود را داشته و خواهد داشت. امیدوارم به زودی و بیش از پیش، شاهد رشد و توجه لازم به تمامی هنرها در ایران باشیم و خلاء و نبود رشته و کرسی‌های دانشگاهی برای هنرهایی نظیر نیومدیا برطرف گردد و کلام آخر اینکه هنرمندان ایرانی هرگز منتظر کسی نمی‌نشینند و مانند رود، راه خود را پیدا می‌کنند و همیشه در جریانند. ■

شکل نمایش در کار نیست و هر چه اتفاق می‌افتد در همان لحظه است و دیگر تکرار شدنی نیست و اگر هر بار بخواهد شکل بگیرد دیگر همان قبلی نیست. روند پرفورمنس خیلی قابلیت پیش‌بینی ندارد مخصوصاً زمانی که مخاطب در آن دخیل است. در اکثر پرفورمنس‌ها، هنرمند خود را به مخاطره می‌اندازد و دچار سختی و یا درد می‌شود. البته این از تعاریف اصلی پرفورمنس و یا الزامات آن نیست. طی سال‌های اخیر و با نزدیک شدن و درهم تنیده شدن مرز بین هنرها بسیاری از پرفورمنس‌ها نیز به سمت نمایشی شدن رفته‌اند که البته اکثراً به دلیل عدم شناخت درست این هنر است.

با مثال، حقیقی بودن پرفورمنس و تفاوتش با نمایش بهتر روشن می‌شود، مثلاً هنرمند عراقی وفا بلال، برای اینکه از درد و رنجی بگوید که کشورش در جنگ متحمل شده، نام شهرهای کشورش و تعداد کشته‌هایشان را برای مقایسه با سربازان کشته شده آمریکایی با دو رنگ متفاوت بر بدنش خالکوبی می‌کند در حالی که هزاران نفر از طریق اینترنت شاهد آن هستند. مارینا آبراموویچ^[۴]، مادر بزرگ هنر پرفورمنس در دنیا، ۷۰۰ ساعت در مقابل مخاطبین می‌نشیند و تحمل و استقامت خود و آنان را در معرض پرسش و سنجش قرار می‌دهد.

چیدمان: جایگاه جهانی پرفورمنس و ویدئوآرت ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در مورد پرفورمنس تا آنجایی که من می‌دانم اتفاقات شاخص و خاص نداشته‌ایم یا من به اندازه کافی در جریان نبوده‌ام. اما در مورد ویدئوآرت، حضور هنرمند شناخته‌شده‌ای مانند شیرین نشاط و همین‌طور نمایش آثاری خوب از هنرمندان ایرانی در گالری‌ها و جشنواره‌های مختلف و کسب جوایز متعدد، ایران را به نامی آشنا در عرصه بین‌المللی تبدیل کرده است. یکی از علت‌های مهم دیده شدن ویدئوآرت این است که محدود به مرزها نیست و بسیار آسان‌تر از دیگر هنرها مانند پرفورمنس مسیر خود را باز می‌کند و صد البته تلاش‌های افرادی مانند امیرعلی قاسمی، آلیس استپانیان یا فعالیت‌های سایت و جشنواره ویدئوآرتیست و دیگر گروه‌ها و کیبورتورهای که روی این هنر متمرکز شده‌اند را نباید نادیده گرفت.

اما در مقام مقایسه می‌توانم بگویم که آثار هنرمندان ایرانی اغلب نسبت به هنرمندان دیگر کشورها، دارای مفاهیم بیشتر و عمیق‌تری است و این مطلب ریشه در فرهنگ، باور، عقاید، مذهب، اجتماع و شیوه زندگی ما دارد. این موضوع در آثار هنرمندان آسیای شرقی نیز بارز است؛ به طوری که برخی از هنرمندان اروپایی و آمریکایی، که آثارشان بیشتر به سمت مفاهیم و بیان‌های حسی‌گرایش دارد، نیز از فرهنگ و هنر آسیایی الهام می‌گیرند.

البته ما بیشتر از آن طرف بام سر می‌خوریم؛ آشنایی ناکافی هنرمندان تجسمی با فناوری‌های مفید و یا تکنیک‌های روز و همین‌طور ضعف شدید و تأثیرگذار فقدان منابع کافی و آموزش‌های صحیح و مدون، که جای خالی آن بسیار احساس می‌شود، باعث شده تا بسیاری از هنرمندان جوان ندانند که چگونه و از کجا باید آغاز کنند. همچنین،

۴- Marina Abramović، (۱۹۴۶)، هنرمند صرب، او را مادر پرفورمنس نیز می‌نامند.

